



## فیس تو فیس با ترجمه کنکور

قبل از این که بخواهیم از نکات ترجمه و نحوه حل آن سردر بیاریم و وارد معرکه گیری های کنکوری اش شویم، باید یک سری اطلاعات درباره خود ترجمه داشته باشیم که جایش در کتاب ها و جزوه ها خالی است! (چرا بغض کردی؟ جای اونو نمیگم که! جای تحلیل سوالات رو گفتم.) خُب! بخش قابل توجهی از سوالات کنکور (۴۰٪) در درس عربی مربوط به ترجمه و تعریب است.

این سوالات ها و عبارات معمولاً از متن های کتاب درسی نیست، حداکثر لطفی که طراح عزیز (دامت برکاته) بخواهند در حق ما کنند و لبخند را بر لب های ما بیاورند، این است که سوالات را کمی شبیه عبارت های آمده در کتاب طرح کنند!

پس خیلی دلتان را خوش نکنید که ما لغات و متن های کتاب را جویده ایم؛ البته این توانایی شما بعداً به دردمان می خورد ولی اکنون جایش نیست!

بنابراین ما برای حل تست ترجمه به یک سری ابزار و وسایل خاص و البته شناختن سلیقه طراح نیاز داریم! مثلاً باید بدانیم طراح برایش مهم نیست که تو بدانی کلمه «سمح» یعنی چی؟ بلکه برایش مهم است که بدانی این کلمه فعل است و باید به صورت فعل ترجمه شود (اجازه داد) نه مصدر (اجازه دادن) و یا این که مثلاً طراح برایش مهم نیست که تو چقدر لغت بلدی ولی برایش مهم است که یک سری لغات خاص، اصطلاحات، کاربرد برخی حروف و تأثیرش روی فعل ها را بدانی!



**پاسخ گزینه ۲** «دینکم: دینتان» در گزینه‌های (۱) و (۴) ضمیر ترجمه نشده است، «نعمتی: نعمتم» در گزینه (۳) ضمیر ترجمه نشده است.

در این جا یک نکته بسیار مهم و تأثیرگذار را که در کتاب‌ها به آن کمتر توجه شده، مطرح می‌کنیم که **نکات تپل!** احتمالاً نشنیده‌اید و ندانستن آن به راحتی یک تست را از شما خواهد گرفت. سؤال اصلی این است؛ که آیا می‌توان ضمیر را ترجمه نکرد؟ پاسخ مثبت است؛ پس این نکات را با دقت بخوانید:

**۱** اگر مرجع ضمیر مفعولی<sup>۱</sup> قبل از فعل آمده باشد، می‌توان ضمیر را ترجمه نکرد!

**مثال:** الحضارات التي قد عرفها الإنسان تدلّ على الدين ← تمدن‌هایی که انسان شناخته است (آن‌ها را شناخته است) بر دین دلالت دارند. **۲** اگر پس از ضمیر، فعلی بیاید که درباره آن ضمیر باشد و هم‌صیغه آن، می‌توان آن ضمیر را ترجمه نکرد!

**مثال:** نحن نذهب ← ما می‌رویم. / می‌رویم. فهمتُ أنهم لا ينامون ← فهمیدم که آن‌ها نمی‌خوابند / فهمیدم که نمی‌خوابند. **۳** در ترکیب‌های: «مَنْ هو، مَنْ هي، ما هو، ما هي» + اسم یا فعل، ضمیر را ترجمه نمی‌کنیم.

**مثال:** من هو المعلم؟ ← چه کسی معلم است؟ ما هي المشكلة؟ ← مشکل چیست؟ من هو؟ ← او کیست؟ (چون پس از «هو» اسم یا فعل نیامده، پس ضمیر باید ترجمه شود.)

۱. یعنی ضمایر «ه، هما، هم، ها، هما، هُنَّ، كَ، كما، كَمْ، كِ، كَمَا، كُنَّ»

**۴** ضمیر متصل به منادا را می توان ترجمه نکرد:  
**مثال:** رَبَّنَا انصُرْنَا ← پروردگارا (ای پروردگار ما)، ما را یاری کن.  
 یا الهی اَعْفِنِي ← خدایا (ای خدای من) مرا ببخش.

اون دسته از دوستان منفی نگر و عجول که میگن خُب! الآن تو از کجا فهمیدی باید بری سراغ چی و چطوری این تست را حل کنی... یک بار گفتم صبر کنید کامل توضیح میدم که چی کار کنیم. الآن فقط نکته ها رو یاد بگیرید.



تودرو دیوار!

**۳** اسم نکره را با «ی» (بعد از اسم) یا «یک» (قبل از اسم) یا هر دو ترجمه می کنیم.

**مثال:** وَرَقَةٌ ← برگ، یک برگ، یک برگی / كِتَابٌ ← کتابی، یک کتاب، یک کتابی

**۱** اگر یک اسم دوبار در یک جمله بیاید که بار اول نکره باشد و بار دوم به همراه «ال»، می توانیم در ترجمه اسم دوم از «این» یا «آن» استفاده کنیم.



کله رویا!

**مثال:** شَهِدْتُ طَلَبًا وَ شَهِدْتُ الطَّلَابَ أَيْضًا. ←

نکره                      معرفه

دانش آموزانی را دیدم و آن دانش آموزان نیز مرا دیدند.

أَحَبُّ عَمَلًا يَفِيدُنِي وَلَكِنْ لَا أَجِدُ الْعَمَلَ. ←

نکره                      معرفه

کاری را دوست دارم که به من کمک کند ولی این کار را پیدا نمی کنم.

**۲** برای ترجمه کردن یک ترکیب وصفی (یعنی موصوف و صفت) نکره به سه روش می توان عمل کرد و علامت نکره را در اول، وسط و یا آخر ترکیب قرار داد.



## فعلها و زمانها

قبل از بررسی انواع زمان‌های فرعی، بدانید که در بسیاری از موارد؛ ماضی، مضارع یا امر بودن فعل (بدون توجه به این که چه نوعی از ماضی یا مضارع است) باعث حل تست می‌شود.

### تست نمونه

«إِنَّ الْإِمَامَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ (ع) يَفْتَخِرُ بِأَخِيهِ أَبِي الْفَضْلِ الْعَبَّاسِ، لِأَنَّهُ قَتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَكِلَاهُمَا أَسْوَةٌ لِّجَمِيعِ الْعَالَمِينَ!»:

(انسانی ۹۴)

۱) همانا امام ابو عبدالله الحسین (ع) برادر خود ابوالفضل عباس را افتخار خویش می‌دانست، چه هر دو در راه خداوند جنگیدند و هر دو الگویی برای جهانیان شدند!

۲) قطعاً امام اباعبدالله الحسین (ع) برادر خویش ابی‌الفضل العباس را مایهٔ فخر می‌دانست، از آن جا که در راه الله جنگید، و هر دو برای جهانیان الگو هستند!

۳) امام ابو عبدالله الحسین (ع) به برادر خویش ابی‌الفضل عباس مباحثات می‌کرد، و مقتول شدن او را در راه الله می‌دانست و هر دو الگوی عالمیان بوده‌اند!

۴) امام اباعبدالله الحسین (ع) به برادر خود ابوالفضل العباس افتخار می‌کند، زیرا در راه الله به قتل رسید و هر دو الگویی برای همهٔ عالمیان می‌باشند!

**پاسخ گزینه ۴** سایر گزینه‌ها «یفتخر» را به صورت ماضی استمراری ترجمه کرده‌اند در حالی که اصلاً در صورت سؤال «کان» نداریم.



۱ ماضی ساده منفی ← «ما» + ماضی

🏠 **مثال:** ما حَزِنَ ← ناراحت نشد.



۲ مضارع منفی ← «لا» + مضارع

🏠 **مثال:** لا يَحْزَنُ ← ناراحت نمی شود.

🚩 **نتیجه:** «ما» + ماضی = «لَمْ» + مضارع

🏠 **مثال:** ما جَلَسَ = لَمْ يَجْلِسْ = ننشست

• «لَمْ» + مضارع ← ماضی ساده منفی (گاهی ماضی نقلی منفی)

🏠 **مثال:** لم يَذْهَبْ ← نرفت، نرفته است.

لم يَصِلْ ← نرسید، نرسیده است.

حرف «لَمْ» را با «لِمَ» که مخفف «لماذا» و به معنای

«چرا؟» است اشتباه نگیرید؛ «لَمْ» فقط با مضارع

(مجزوم) می آید و «لِمَ» با هر چیزی می آید و تغییری



کله روپتا!

در زمان فعل ایجاد نمی کند.

🏠 **مثال:** لم جاء الرجل ← چرا مرد آمد؟ ← چون «جاء» فعل ماضی است

پس «لَمْ» نیست و «لِمَ» است.

لم يَذْهَبُ المَعْلَمُ ← چرا معلم می رود؟ ← چون انتهای فعل

ساکن نشده است؛ پس «لَمْ» نیست و «لِمَ» است.

لم تفرحون ← چرا شاد می شوید؟ ← چون نون از انتهای فعل حذف

نشده؛ پس «لَمْ» نیست و «لِمَ» است.

برای مثال در تست صفحه بعد، «لم يسمع» به زمان ماضی نقلی منفی

آمده (گزینه ۴) البته هیچ گزینه‌ای ماضی ساده منفی ندارد، بنابراین

اشکال و توهمی پیش نمی آید.

• «کَلَّ» یکی از کلمات مهم و دارای چند معنا است:

«کَلَّ» +

مفرد نکره (جمله مثبت): هر **کَلَّ** **مثال:** کَلَّ طالب ← هر دانش آموزی

مفرد معرفه: همه، تمام **کَلَّ** **مثال:** کَلَّ اللَّیْلِ ← تمام شب

جمع (معرفه): همه **کَلَّ** **مثال:** کَلَّ الطَّلَاب ← همه دانش آموزان

مِن: هر یک از **کَلَّ** **مثال:** کُلُّ مِنَ اللَّاعِبِین ← هر یک از بازیکنان

مَنْ: هر کسی که (با فعل مفرد)، همه کسانی که (با فعل جمع)

**کَلَّ** **مثال:** نَحَبَ کُلِّ مَنْ یَجِدُّ ← هر کسی که می‌کوشد را دوست دارم.

نَحَبَ کُلِّ مَنْ یَجِدُّون ← همه کسانی که می‌کوشند را دوست داریم.

ما: هر چیزی که، هر چه که، همه آنچه که

مفرد نکره (جمله منفی): هیچ

**کَلَّ** **مثال:** لَا یَحِبُّ اللّٰهَ کُلَّ ظَالِمٍ ← خدا هیچ ظالمی را دوست ندارد.

کَلَّ تنوین دار + فعل: هر کس **کَلَّ** **مثال:** کُلُّ یَقُولُ رَأْیَهُ ← هر کس

نظرش را می‌گوید.

کَلَّمَا ← هر بار، هر دفعه

### تست نمونه

«لا حياة تبقى للحقیقة بعد کَلَّ اغراق فی المدح و فی الذمّ!»: (انسانی ۹۴)

۱) بعد از هر زیاده روی در مدح و ذم، هیچ حیاتی برای حقیقت باقی نمی‌ماند!

۲) هیچ حیاتی وجود ندارد که بعد از مدح و ذم مبالغه آمیز، حقیقت را نشان دهد!

۳) هیچ حیاتی، بعد از اغراق در هر گونه مدح و ذم، برای حقیقت

باقی نخواهد ماند!

۴) بعد از مبالغه‌ها چه در مدح و چه در ذم، هیچ حیاتی نمی‌ماند که

حقیقت در آن باشد!

**پاسخ گزینه ۱** «کَلَّ اغراق: هر زیاده روی» (کَلَّ + مفرد نکره: هر)

(رد سایر گزینه‌ها).

کنید در این گزینه‌ها اسم بعد از اسم اشاره همراه «ال» آمده و نباید به صورت «خبر» و با «هستند» ترجمه شوند، در گزینه (۴) «کسانی هستند که ...» اضافی است.

### ? تست نمونه

(زبان ۹۷)

عَيْنُ الْخَطَا:

(۱) هَوْلَاءُ عَقْلَاءُ يَبْتَعِدُونَ عَنِ الْبَاطِلِ! این عاقلان از باطل دوری می‌کنند!  
(۲) هَذَا شَيْطَانٌ لَا تَجْعَلْ لَهُ نَحْوَ عَقْلِكَ سَبِيلًا! این شیطان است برای او به سمت عقلت راهی قرار مده!

(۳) أَوْلَئِكَ الْأَشْخَاصُ يَعْلَمُونَ وَ لَا يَسْتَوُونَ مَعَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ! آن اشخاص می‌دانند و با کسانی که نمی‌دانند برابر نیستند!

(۴) هَذَا اللِّسَانُ جَرْمَةٌ صَغِيرٌ لَكِنَّهُ يَبْتَلِي بِذُنُوبٍ كَثِيرَةٍ! این زبان جرمش کوچک است ولی به گناهان بزرگ مبتلا می‌شود!

**پاسخ گزینه ۱** «هَوْلَاءُ عَقْلَاءُ»: این‌ها عاقلانی هستند که ...» بعد از «هَوْلَاءُ» کلمه جمع بدون «ال» آمده است، پس باید جمع ترجمه شود.

● به ترجمه انواع «لِ» توجه کنید:

«لِ» +

اسم یا ضمیر اول جمله ← داشتن

 **مثال:** لَهُ كِتَابٌ ← کتابی دارد. / برای او کتابی است.

اسم یا ضمیر وسط جمله ← برای

 **مثال:** اشتریت لِأُمِّي كِتَابًا ← برای مادرم کتابی خریدم.

مضارع (مجزوم) اول جمله ← باید

 **مثال:** لِنَذْهَبْ ← باید برویم.

مضارع (منصوب) وسط جمله ← برای این‌که، تا

 **مثال:** نَذْهَبْ لِنَنْجَحَ ← می‌رویم برای این‌که موفق شویم.



داشتن: ل / عند / لدی / یملک + اسم یا ضمیر  
**مثال:** کتابی دارید ← لکم کتاب / عندکم کتاب /  
 لدیکم کتاب / تملکون کتاباً



کله روپتا!

ببخشید این ترجمه‌ای که شما گفتید اصطلاحی است؟ آیا ترجمه  
 تحت‌اللفظی هم در این ساختار درست است؟ مثلاً اگر در تست  
 بگویند «له ثروة»، یک گزینه بگویند «او ثروت دارد» و یک گزینه



آقا اجازه!

بگویند «برای او ثروت است» کدام درست است؟  
 سؤال خوبی بود! به طور کلی باید بگوییم که هر دو ترجمه درست است ولی در  
 تست‌های کنکور غالباً گزینه‌ای جواب بوده که «داشتن» در آن آمده، یعنی حتی  
 اگر در دو گزینه ترجمه درست بیاید، به علت دیگری مثلاً زمان فعل یا مفرد و  
 جمع و ... پاسخ آن است که اصطلاحی (داشتن) ترجمه کرده!

چنانچه بخواهیم «داشتن» در زمان «گذشته» بسازیم  
 کافی است به ابتدای همان ساختار «کان» اضافه  
 کنیم و اگر بخواهیم مفهوم «نداشتن» را مطرح



نکات تپل!

کنیم باید به ابتدای ساختارمان ادات منفی ساز (لا-لم-لن-  
 لیس) بیفزاییم.

**مثال:** کان له کتاب. ← او کتابی داشت.

لیس لی سیارة. ← من ماشین ندارم.

لم یکن للحاکم ثروة. ← حاکم ثروتی نداشت. («لم» ماضی  
 منفی است)

لن یكون له عمل. ← کاری نخواهد داشت. («لن» آینده منفی است.)





۲ یک اسم، هم صفت دارد هم مضاف‌الیه که در فارسی و عربی با دو فرمول زیر می‌آید:

**فارسی: اسم + صفت + مضاف‌الیه**

مدرسه بزرگ ما

**عربی: اسم + مضاف‌الیه + صفت (غالباً «ال» دارد)**

مدرستنا الكبيرة

• فرمول این حالت در عربی:

۱ اسم بی «ال» + اسم «ال» دار + اسم «ال» دار

**مثال:** كتابُ المعلمِ الحديثُ ← کتاب جدید معلم

• البته مراقب باشید که شاید صفت برای اسم دوم باشد نه اسم اول که در این حالت باید از مطابقت در جنسیت یا حرکات بین دو اسم متوجه شوید. (موصوف و صفت در جنس و حرکت مثل هم هستند.)

**مثال:** كتابُ المعلمِ الحديثِ ← کتاب معلم جدید.

سيارة المعلم الجميل ← ماشین معلم زیبا.

سيارة المعلم الجميلة ← ماشین زیبای معلم.

طعم الحياة الحقيقي ← طعم واقعی زندگی.

طعم الحياة الحقيقي ← طعم زندگی واقعی.

ساحة المدينة الكبيرة ← میدان بزرگ شهر / میدان شهر بزرگ ←

چون هر سه اسم، مؤنث هستند و حرکت ندارند.

۲ اسم بی «ال» + ضمیر + اسم «ال» دار

**مثال:** كتابنا الحديث ← کتاب جدید ما.

• حواستان باشد اگر در این دو ساختار اسم آخر «ال» نداشت نقش خبر دارد نه صفت و در ترجمه آن از «است، هست» استفاده می‌کنیم.



## ؟ تست نمونه

(تجربی ۹۹)

عین الخطأ:

(۱) لا تركض وراء غزالين في زمن واحد! در یک زمان واحد به دنبال دو آهو ندو!  
(۲) لا تنصح أحداً أمام الشخص الثالث! هیچکس را در مقابل سه نفر نصیحت مکن!

(۳) احذر محاكاة الآخرين و اعتمد على نفسك دائماً! از تقلید دیگران دوری کن و همیشه بر خویشتن اعتماد کن!

(۴) لا فائدة من قلقك اليوم لحل مشاكل الغد! اضطراب امروز تو هیچ فایده‌ای برای حل مشکلات فردا ندارد!

پاسخ گزینه ۲ «الثالث: سوم» عدد ترتیبی است (نفر سوم).

• کلمات «يجب، يلزم، واجب، على» هم معنای «باید» می‌دهند (اصطلاحی) و هم معنای تحت‌اللفظی (واجب است، لازم است، واجب، بر...)، بنابراین اگر صرفاً معنای «اجبار و الزام» رسانده شود، کافی است.

🏠 **مثال:** يجب عليكم أن تستمعوا إلى قولي ← شما باید به سخن من

گوش کنید. / بر شما واجب است که به سخن من گوش کنید.

علينا الصدق ← راستگویی بر ما است. / ما باید راست بگوییم.

🔍 **دقت کنید:** پس در سؤالات چندان نمی‌توانند علت محکمی برای رد

گزینه باشند، مگر این که اصلاً مفهوم «اجبار و الزام» مطرح نشود؛ مثلاً در

تست بعدی فقط در گزینه (۲) اجبار و الزام مطرح نشده ولی در سه گزینه دیگر

(واجب است، باید) بیانگر الزام هستند. «حياتهم» ضمیر دارد و در گزینه (۱)

بدون ضمیر ترجمه شود و در گزینه (۴) «حياة» ترجمه نشده.



**۱** این نکته صرفاً برای انحصار است نه استثنا، یعنی زمانی که جمله قبل از «إلا» ناقص است، یا به عبارتی وقتی که مستثنی منه (مرجع مستثنی) در جمله نیست؛ پس ترجمه زیر



کله روپتا!

غلط است، چون مرجع «علیاً» قبل «إلا» آمده (الطلاب) و انحصار نداریم.

**مثال:** ما ذهب الطلاب إلا علیاً ← فقط علی از دانش آموزان رفت. **X**

دانش آموزان نرفتند به جز علی ✓

**۲** وقتی در این حالت جمله را با «فقط، تنها» ترجمه می کنید، این قید را دقیقاً به جای «إلا» بیاورید (قبل از اسم پس از إلا)، نه در جای دیگری از جمله. عبارت را هم از منفی به مثبت تبدیل کنید.

**مثال:** لم يقرأ الطلاب إلا القصيدة ←

دانش آموزان فقط قصیده را خواندند ✓

دانش آموزان جز قصیده را نخواندند ✓

دانش آموزان قصیده را فقط خواندند **X**

فقط دانش آموزان قصیده را خواندند **X**

دانش آموزان فقط قصیده را نخواندند **X**

## ? تست نمونه

«ما كان مسروراً من بين جميع أصدقائنا إلا الذي وفى بعهده!»: (انسانی ۹۸)

(۱) از میان همه دوستان ما فقط کسی که به عهد خود وفا کرد، شادمان بود!

(۲) کسی که به پیمان خود وفاداری کرد تنها شادمان در میان دوستان همه ما بود!

(۳) در میان جمع دوستان ما، کسی فقط شاد بود که به عهد خویش وفا کرد!

(۴) کسی در جمع دوستان ما فقط شاد بود که به پیمانش وفاداری کرد!



## ؟ تست نمونه

«لن أتضرع معذرةً إلا إلى ربّي، لأنّي قد آمنتُ بأنّه هو الغفّار المتفصّل علينا!»:

(تجربی ۸۹)

(۱) فقط به پروردگارم عذرخواهانه التماس خواهم کرد، زیرا من ایمان آورده‌ام که فقط اوست که نسبت به ما بسیار آمرزنده و کریم است!

(۲) من جز به پروردگار خویش با تضرع عذرخواهی نمی‌کنم، زیرا یقین دارم که قطعاً اوست که در مورد ما هم آمرزنده و هم مهربان است!

(۳) فقط نسبت به خدا با عذرخواهی التماس می‌نمایم! زیرا ایمان دارم اوست که ما را قطعاً می‌بخشد و می‌آمرزد!

(۴) جز از خدای خود عذرخواهی نمی‌کنم، زیرا یقین دارم که فقط او بسیار ما را می‌بخشد و می‌آمرزد!

**پاسخ گزینه ۱** «لن أتضرع» + «إلا» داریم؛ پس هم آینده منفی درست است هم آینده مثبت؛ این مورد فقط در گزینه (۱) درست آمده (التماس خواهم کرد).

• قانون دو قلوها: هر وقت در صورت سؤال یک اسم یا فعل، دو بار تکرار شد یا دو اسم خیلی شبیه به هم داشتیم چک کنیم که حتماً در ترجمه هم آن کلمه دو بار آمده باشد؛ چون طراح عمیقاً و شدیداً علاقه دارد که آن را یکبار ترجمه کند. مثلاً در تست زیر «خلیة» و «خلایا» دو بار آمده‌اند که یکی مفرد است و دیگری جمع. پس در گزینه درست هم باید دوبار ترجمه شوند؛ این اتفاق تنها در گزینه (۴) افتاده (سلول - سلول‌ها).

• در فارسی اگر چند اسم معطوف به هم، دارای مضاف‌الیه یکسان باشند، فقط در پایان آخرین کلمه، مضاف‌الیه می‌آید ولی در عربی پایان تمام کلمات، مضاف‌الیه مشترک اضافه می‌شود.

**مثال:** دین و جان و وطن خود ← دینه و نفسه و وطنه

علی کتاب و دفتر و کیف خود را روی میز گذاشت. ← جَعَلَ عَلِيٌّ كِتَابَهُ وَ دَفْتَرَهُ وَ مَحْفَظَتَهُ عَلِيَّ الْمُنْضَدَةِ.

• در جدول زیر یک سری فعل خاص با حروف جرّ مخصوص به آنها جمع شده است.

تأثّر بـ ← از ... تأثیر پذیرفت	شَعَرَ بـ ← احساسِ ... کرد
اقترب (قرب) من ← به ... نزدیک شد	أَخَذَ بـ ← گرفت
عزم علی ← به ... تصمیم گرفت	انْتَفَعَ بـ ← از ... سود برد
قدر علی ← به ... قادر بود، توانست	قَامَ بـ ← به ... پرداخت (اقدام کرد)
حصل علی ← به ... دست یافت	حَافَظَ عَلِيٌّ ← حفظ کرد
ذهب بـ ← بُرِدَ	مَلَأَ بـ ← پر کرد از
سَخَّرَ مِنْ ← مسخره کرد	جَاءَ بـ ← آورد
جَهَرَ بـ ← آشکار کرد	أَتَى بـ ← آورد



عندما ذهبْتُ عند أبي، فرحتُ.

— هنگامی که رفتم، نزد پدرم شاد شدم ✗

— هنگامی که نزد پدرم رفتم، شاد شدم ✓

### ترجمهٔ انواع اسم

• اسم فاعل: در ترجمهٔ آن از پسوندهای «-نده، ا» استفاده می‌کنیم.<sup>۱</sup>

🏠 **مثال:** حامد ← حمد کننده

عالم ← دانا / مهلك ← نابود کننده

• اسم مفعول: به صورت «صفت مفعولی (بِن ماضی + ه) + شده» یا

به صورت صفتی ترجمه می‌شود.

🏠 **مثال:** مکتوب ← نوشته شده

مغفور ← آمرزیده شده

مُطَهَّر ← پاک شده، پاک

• اسم مبالغه: در ترجمهٔ آن از قید «بسیار» استفاده می‌کنیم.<sup>۲</sup>

🏠 **مثال:** ستار ← بسیار پوشاننده

علامة ← بسیار دانا

• اسم تفضیل + حرف جر «من»: ترجمه با پسوند «تر»

🏠 **مثال:** أحسنُ من العلم ← بهتر از علم

أفضل مني ← برتر از من

• اسم تفضیل + مضاف الیه: ترجمه با پسوند «ترین»

🏠 **مثال:** أكبر الناس ← بزرگ‌ترین مردم

أعلم الرجال ← داناترین مردان

۱. مگر این‌که اسم فاعل بیانگر حالت باشد. **مثال:** السَّالِم ← سالم / الطَّاهِر ← پاک

۲. به این موارد دقت کنید که استفاده از «بسیار» ضروری نیست **مثال:** الكَذَّاب ← دروغگو، بسیار دروغگو / الجَذَّاب ← دیدنی، بسیار دیدنی / الصَّبَّار ← صبور، بسیار شکیبا / خَلَّاب ← جذَّاب

• اسم تفضیل تنها با «تر» ترجمه می شود.

**مثال:** جاء أخی الأكبر ← برادر بزرگ ترم آمد.

### ? تست نمونه

«لا يتغلب عليك اليأس عندما تفقد شيئاً جميلاً، فبعض الأحيان يجب أن يرحل الجميل ليأتي الأجل!»:

(زبان ۹۶)

(۱) ناامید مباش وقتی چیزی زیبا را از دست دادی، چون باید زیبا برود تا زیباترین بیاید!

(۲) ناراحتی بر تو چیره نشود هنگام از دست دادن چیز زیبا، چه گاهی زیبا می رود تا زیباتر بیاید!

(۳) هنگامی که چیز زیبا را از دست می دهی دچار ناامیدی مشو، چون زیبا می رود تا زیباتری بیاید!

(۴) وقتی چیز زیبایی را از دست می دهی نومییدی بر تو غلبه نکند، زیرا گاهی باید زیبا برود تا زیباتر بیاید!

**پاسخ گزینه ۴** «الأجل: زیباتر» اسم تفضیل تنها و معرفه است (رد ۱ و ۳)، «تفقد» فعل است ولی در گزینه (۲) به صورت مصدر ترجمه شده است.

### ? تست نمونه

«إن القنوط من رحمة الله أعظم ذنب يفتح لنا باب بقية الذنوب فتحاً!»:

(تجربی ۹۹)

(۱) ناامیدی از فضل خدا بزرگترین گناه است در حالی که در بقیه گناهان را برایمان باز می کند!

(۲) ناامید شدن از لطف خدا گناه بزرگی است که در بقیه گناهان را برای ما به خوبی باز می کند!



از ابتدای کتاب قول این قسمت رو بهتون داده بودم. این جا مهم ترین بخش کتاب است، می خواهیم یاد بگیریم وقتی تست ترجمه را دیدیم چیکار کنیم؟ (بغلش کن) از کجا شروع کنیم؟ سراغ فعل بریم؟ گزینه ها را مقایسه کنیم؟ آیا در هر تستی این نحوه پاسخ دهی ما را به جواب می رساند و تمام تست ها یک جور حل می شوند و خلاصه کلی از این جملات مبهم و پرسش گرانه که مثلاً ما الآن قصد داریم بگوییم درد و دل شما را می شناسیم.

### سؤالات ترجمه تک عبارتی

از این جو دادن ها که بگذریم بهترین راه این است که سؤالات را براساس داشتن یا نداشتن چراغ سبز تقسیم بندی کنیم. چراغ سبز چیست؟ چراغ سبز (فقط و فقط) یعنی «زمان فعل ها و کلمات کلیدی و ساختارها» نه هیچ نکته دیگری حتی پنج به علاوه یک هم چراغ سبز نیستند. نحوه رفتار ما با سؤالاتی که چراغ سبز دارند و سؤالاتی که چراغ سبز ندارند، متفاوت است. ابتدا دو تست زیر را ببینید که سؤال اول چراغ سبز دارد (س، لن) و تست دوم هیچ گونه چراغ سبز و نکته ای در صورت سؤال ندارد.

### ? تست نمونه

«نحن سنذهب مع قائدنا إلى القتال و لن نترکه وحيداً في الوقت الحرج!»:

(ریاضی ۹۳)

- ۱) با رهبر خویش به محل نبرد رهسپار می شویم و او را در زمان سختی ترک نمی کنیم!
- ۲) به همراه فرمانده برای مبارزه خواهیم رفت و هرگز او را در وقت دشواری رها نمی کنیم!
- ۳) ما همراه فرمانده خود به نبرد خواهیم رفت و هنگام سختی او را تنها ترک نخواهیم کرد!
- ۴) ما با رهبر خود به میدان جنگ می رویم و او را در زمان دشواری تنها رها نخواهیم کرد!



در تستی که مثال زدیم، از صورت سؤال متوجه هیچ چیز نمی‌شویم ولی وقتی گزینه‌ها را زیر هم می‌گذاریم می‌بینیم «هوی» که مفرد است در گزینه‌های (۱) و (۳) جمع ترجمه شده است. به مقایسه که ادامه دهیم می‌بینیم «ضرر» مفرد است ولی در گزینه (۴) به صورت جمع آمده.

اولاً تمام نکات ما اهمیت یکسان ندارند. ثانیاً یک‌سری از نکات در صورت سؤال مهم‌اند و باید آن‌جا دنبالشان باشیم و یک‌سری هم در نتیجه اخلاقی! گزینه‌ها. پس اگر ندانیم چی را کجا بیابیم به مشکل می‌خوریم و زمانمان تلف می‌شود. ثالثاً هر اسم جمع یا ضمیری که دیدیم نمی‌رویم دنبالش و صرفاً در گزینه‌ها به دنبال این نکات «پنج به علاوه یک» می‌گردیم. چون در بسیاری از تست‌ها ضمائر در چهار گزینه ترجمه شده‌اند یا اسم جمع در تمام گزینه‌ها جمع آمده اما با این روش، دیگر زمانتان تلف نمی‌شود و گول نکات کاذب را نمی‌خورید و بی‌جهت به مقایسه خسته‌کننده گزینه‌ها نمی‌پردازید.



### سؤالات تعریب

در این دسته از سؤالات، تقریباً مثل سؤالات ترجمه عمل می‌کنیم یعنی «چراغ سبز - مقایسه» اما حواستان باشد که بهتر است به دنبال شباهت‌ها بروید نه تفاوت‌ها یعنی مثلاً بروید دنبال دو تا «ینتخب» که یکی با «لم» آمده و یکی با «لن» و نگوید «ینتخب» درست است یا «یختار»؟ در واقع یکی از رایج‌ترین روش‌های گرفتن زمان از شما در آزمون، این است که در گزینه‌ها کلمات هم‌عرض و مترادف در گزینه‌ها بیاورند. از آنجایی که گزینه‌ها عربی هستند و شما تسلط کافی روی لغات آن ندارید، ممکن است بی‌دلیل درگیر این دام آموزشی شوید. در واقع سؤالات تعریب، گزینه‌محور هستند. ضمناً مراقب غلط‌های قواعدی گزینه‌ها هم باشید! مثل مطابقت فعل و اسم، «ال» نگرفتن مضاف و ... مثلاً در تست زیر نباید برویم دنبال این که «الحب» درست است یا «المحبة» و ... دنبال کلمات شبیه به هم باشید که اختلاف‌های مد نظر ما را دارند. («بلا» مفرد است ولی «المصائب» جمع، «نعمت» هم مفرد است).

## نحوه پاسخ‌گویی به سؤالات

در این بخش قراره با هم تمرین کنیم که در نحوه رفتار با سؤالات چه کنیم؟ در واقع چگونه آموخته‌های قبلی را در عمل پیاده نماییم. این جا سه بخش داریم که آروم آروم تمام فرمول‌ها و الگوی تست‌های ترجمه را با هم خواهیم دید! پس اول تست را می‌آوریم و سپس به مشخص کردن الگو و نحوه رفتار با آن می‌پردازیم.

### ۱ ترجمه تک‌عبارتی

#### ? تست نمونه

۱. «كنت أحسَّ أن الحياة سوف تَمُرُّ بي بصعوبة كثيرة مع فقدانه!»:

(تجربی ۹۳)

(۱) حس کرده بودم زندگی با عدم وجود او بر من خیلی سخت می‌گذرد!  
(۲) حس می‌کردم با فقدان او زندگی جداً با من به دشواری روبه‌رو خواهد شد!

(۳) احساسم این بود که زندگی بر من بسیار دشوار سپری خواهد شد با نبود او!

(۴) احساس می‌کردم که با از دست دادن او زندگی بسیار سخت بر من خواهد گذشت!

**تحلیل:** چراغ سبزمان «كنتُ أحسُّ» است که می‌شود ماضی

استمراری (رد ۱ و ۳). در مقایسه دو گزینه (۲) و (۴) حواسمان باشد «أنَّ» (که) و «كثيرة» (بسیار) در گزینه (۲) ترجمه نشده.

(«تَمُرُّ» یعنی «گذشتن» نه «روبه‌رو» شدن)



## ؟ تست نمونه

۲. «الصبر صبران: صبر علی أداء عمل حسن لا تحبّ أداءه، و صبر علی ترک عمل سیئ تحبّه!»: صبر و شکیبایی بر دو نوع است، ... (تجربی ۹۳)

(۱) تحمّل کردن خوبی‌هایی که مورد علاقه‌ات نیستند، و تحمّل کردن کار بدی که بدان علاقه داری!

(۲) تحمّل انجام کارهای خوبی که تمایل به آنها نداری، و ترک بدی‌هایی که به آنها تمایل داری!

(۳) صبر بر انجام کار خوبی که انجام دادنش را دوست نداری، و صبر بر ترک کار بدی که دوستش داری!

(۴) صبر کردن بر کاری خوب که انجام آن را نمی‌پسندی، و صبر کردن بر بدی‌هایی که دوستشان نداری!

**تحلیل:** این سؤال چراغ سبز ندارد و یک نمونه عالی است از فرمول و مهندسی رفتار با تست. وقتی پازل‌ها زیر هم باشند. می‌بینیم که «خوبی‌هایی» و «کارهای خوبی» جمع هستند ولی «عمل حسن» مفرد (رد ۱ و ۲) و زمانی که به بررسی گزینه‌های (۳) و (۴) می‌پردازیم، به مترادف‌ها برمی‌خوریم؛ پس می‌پریم انتهای عبارت. «کار بدی» مفرد و «بدی‌هایی» جمع است که چون «عمل سیئ» مفرد است؛ پس گزینه (۳) درست است.

## ؟ تست نمونه

۳. «الذین قد عرفوا بأخلاقهم الکریمه لم یضیعوا عمرهم و توصلوا إلی حقیقه الحیاة!»:

(۱) آنها که اخلاق کریمه خود را شناخته و بدان مشهور شدند، عمر را ضایع نکرده به زندگی حقیقی دست می‌یابند!

(۲) کسانی که به اخلاق کریمه‌شان شناخته شده‌اند، عمرشان را تباه نکرده‌اند و بر حقیقت زندگی دست یافته‌اند!

## ? تست نمونه

۱۸. «اللهم؛ قد وهبتني كل ما كنت غير مستأهل له، لأن فضلک يشمل كل عبادک!»:

(هنر ۹۲)

- ۱) خدایا؛ هر آنچه سزاوار آن نبودم به من عطا کرده‌ای، زیرا لطف تو همهٔ بندگان را شامل می‌شود!
- ۲) پروردگرم؛ آنچه را شایستهٔ آن بودم به من داده‌ای، چون بخشندگی تو شامل همهٔ بندگان است!
- ۳) پروردگارا؛ به من می‌دهی همهٔ آنچه را شایستهٔ آن نیستم، زیرا فضل تو شامل همهٔ بندگان می‌شود!
- ۴) خداوندا؛ به من عطا کن هر چیزی را، حتی اگر سزاوار آن نباشم، چون مهربانی تو به همهٔ بندگان رسیده است!

**تحلیل:** چراغ سبز ما «قد وهبتني» است که باید به صورت ماضی نقلی یا ساده ترجمه شود (رد ۳ و ۴)، چون «می‌دهی - عطا کن» مضارع و امر هستند. در گزینهٔ (۲) هم «پروردگرم» بی‌دلیل ضمیر گرفته است. همچنین «ما كنت غير مستأهل» (هر آنچه شایسته آن نبودم) در این گزینه غلط ترجمه شده است.

## ? تست نمونه

۱۹. «لا دين للمتلون و إن ألقاک فی الخطأ و تظاهر بکمال دیانتہ!»:

(هنر ۹۲)

- ۱) کسی که چند رنگ است دینی ندارد حتی اگر به بی‌نقصی خود تظاهر کند و تو را به اشتباه بیفکند!
- ۲) هیچ دینی ندارد آن کس که دو رنگ است و به کمال دین‌داری‌اش تظاهر کرده باعث اشتباه تو شود!
- ۳) انسان دورو هیچ دینی ندارد اگر چه تو را به اشتباه بیفکند و به کامل بودن دیانتش تظاهر کند!
- ۴) آن که دورو است دین ندارد هر چند ظاهری با دین و بی‌نقص نشان دهد و تو را به خطا اندازد!



### سؤالات ترجمه تک عبارتی

۴۷. ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾: آیا ..... (انسانی ۹۹)

(۱) مردم را به نیکی کردن امر می کنید و خود را فراموش می کنید!  
 (۲) به مردم دستور نیکو بودن را می دهید در حالی که خود را فراموش کرده اید!  
 (۳) آیا امر می کنید مردمان را که نیکوکار باشند ولی خویشتن را فراموش می کنید!

(۴) به مردمان دستور می دهید که نیکویی کنند در همان حال که خود را فراموش کرده اید!

۴۸. «هُؤَلاءِ الْمُعَلَّمُونَ الشَّيْطُونَ يُوصلوننا إلى أهدافنا العالِية بتربية تلاميذهم الصَّحيحة!»:  
 (خارج از کشور انسانی ۹۹)

(۱) اینها معلمانی فعالند که با تربیت درست دانش آموزان ما را به هدف عالی مان می رسانند!

(۲) اینان معلمانی فعالند و با تربیت درست دانش آموزانشان ما را به هدف بلندمان می رسانند!

(۳) این معلمان فعال با تربیت صحیح دانش آموزان خود ما را به هدفهای بلندمان می رسانند!

(۴) این معلمان فعال که دانش آموزان را صحیح تربیت می کنند ما را به هدفهای والايمان می رسانند!

۴۹. «أنا و زميلاتى بحاجة إلى مدرسة حاذقة تُعلِّمنا الدروس من جديد!»:  
 (تجربی ۹۴)

(۱) من و هم شاگردی هایم معلم برجسته ای درخواست کرده ایم که درس ها را از نو از او تعلیم بگیریم!

(۲) من و هم کلاسی هایم نیازمند مدرسی ماهر هستیم که درس ها را از نو به ما آموزش دهد!

(۳) من و دوستانم محتاج مدرس حاذق می باشیم تا دروس را دوباره از او بیاموزیم!

(۴) من و رفقایم به معلمی ماهر نیازمندیم تا درس هایمان را مجدداً به ما یاد بدهد!

۵۰. «لن يبقى الإنسان في حلو الحياة أو مرّها حتى الأبد، و سيعبرهما في يوم من الأيام!»:

(انسانی ۹۵)

۱) انسان در تلخ یا شیرین زندگی تا ابد باقی نخواهد ماند، و روزی از روزها از آن دو عبور خواهد کرد!

۲) انسان هرگز در شیرینی زندگی یا تلخی آن برای همیشه باقی نمی‌ماند، و روزی از آن‌ها عبور می‌کند!

۳) انسان در زندگی تلخ و شیرین تا ابد باقی نخواهد ماند، و در روزی از روزها حتماً از آن‌ها خواهد گذشت!

۴) انسان شیرینی زندگی و تلخی آن را تا همیشه باقی نمی‌گذارد، و در یکی از روزها از آن دو خواهد گذشت!

۵۱. «إنّ حیاتی لا تخلو من المشاکل ولکنی أعیش بالأمل!»:

(انسانی ۹۹)

۱) زندگی من خالی از مشکل نیست اما امیدوار زندگی کرده‌ام!

۲) زندگی من خالی از مشکلات نیست ولی من با امید زندگی می‌کنم!

۳) زندگی هیچگاه خالی از سختی نمی‌باشد ولی با امید زندگی کرده‌ام!

۴) زندگی من خالی از سختی‌ها نبوده است ولی من امیدوارانه زندگی می‌کنم!

۵۲. «هناک خیرٌ فی کلّ شدّة فإننا نستطیع أن نعرف بها صدیقنا من عدوّنا!»:

(تجربی ۹۶)

۱) در هر سختی‌ای خیری وجود دارد، چه ما می‌توانیم به وسیله آن دوست خود را از دشمنان بشناسیم!

۲) آنجا در هر سختی‌ای خیری است که توانسته‌ایم به وسیله آن دوستان و دشمنان خود را بشناسیم!

۳) آنجا در همه سختی‌ها سود و منفعتی برای ما است زیرا شناخت دوست از دشمن را در پی دارد!

۴) در هر سختی‌ای منافی هست که شناختن دوست و دشمنان را به واسطه آن به دنبال دارد!

۳) و لاقليلاً حتّى لا يَنْبَتَ ما قَدَفات، و نه کم که آنچه از دست رفته بود نروید،  
 ۴) و بكثرته اِزْدادات النُّعم علينا! و با فراوانیش نعمت‌ها بر ما فزونی یافت!  
 ۳۴۰. با دوستانم سخن گفتم تا بدانند چگونه برایشان امکان دارد که در  
 برنامه‌هایشان موفق شوند». عَيْن الصَّحِيح:

- ۱) تَحَدَّثُ مَعَ زَمَلائِي حَتَّى يَعْلَمُوا كَيْفَ يُمَكِّنُهُمُ النِّجَاحُ فِي الْبِرَامِجِ!
- ۲) حَدَّثْتُ أَصْدِقَائِي لِيَفْهَمُوا كَيْفَ يَسْتَطِيعُونَ أَنْهُمْ التَّقَدُّمُ فِي بَرَامِجِهِمْ!
- ۳) تَكَلَّمْتُ مَعَ أَصْدِقَائِي لِيَعْلَمُوا كَيْفَ يُمَكِّنُ لَهُمْ أَنْ يَنْجَحُوا فِي بَرَامِجِهِمْ!
- ۴) كَلَّمْتُ زَمَلائِي أَنْ يَفْهَمُوا كَيْفَ يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ أَنْ يَتَقَدَّمُوا فِي الْبِرَامِجِ!

### هنر ۱۴۰۰

۳۴۱. ﴿و اذكروا نعمة الله عليكم إذ كنتم أعداء فألف بين قلوبكم﴾:

- ۱) نعمت خداوند را خودتان یاد کنید زمانی که دشمنان همدیگر بودید سپس قلب‌هایتان را انس و الفت داد!
  - ۲) نعمت خدا را بر خود یاد کنید آن‌گاه که دشمنان یکدیگر بودید پس بین دل‌هایتان انس و الفت قرار داد!
  - ۳) نعمت الله را به یاد آورید آن‌گاه که با یکدیگر دشمنی داشتید و قلب‌هایتان را نسبت به هم نزدیک کرد!
  - ۴) نعمت الله را بر خویشتن یادآوری کنید موقعی که دشمن بودید و دل‌هایتان را به یکدیگر نزدیک کرد!
۳۴۲. «إن البرنامج الذي يبدأ بالتعلم المناسب يُمكن أن يُحدِّد حياة المرء في المستقبل، و هذا هو مكان العلم»:

- ۱) برنامه‌ای که با یادگیری خوب آغاز شده ممکن است زندگی آینده انسان را روشن کند، این موقعیت علم است!
- ۲) برنامه کسی که با یادگیری درست آغاز کرده، امکان دارد زندگیش را در آینده معین کند، این جایگاه علم است!

**۸۲. گزینه «۳»** «مَنْ» دو بار در صورت سؤال آمده و فعل‌های بعد از آن هم بی حرکت است؛ یعنی می‌تواند «هر کس» یا «کسی که» ترجمه شود. تنها گزینه‌ای که هر دو «مَنْ» را یکسان ترجمه کرده گزینه «۳» است، (کسی که - کسی که) ضمناً «يُبْعَدُ: دور می‌کند» (رد ۱ و ۲)، «يُحِبُّ» فعل است «دوست دارد» (رد ۲ و ۴).

**۸۳. گزینه «۴»** «حَيْرَتُنَا: ما را متحیر کرد» نباید به شکل اسم ترجمه شود، ضمن این که «نا» مفعول است نه فاعل (رد ۱ و ۲)، «تلك: آن» (رد ۳)، «معرفة: شناختن» (رد ۱)، «أَيُّ» در جمله منفی به معنای «هیچ» است (رد ۱ و ۲)، «ما وَجَدْنَا: نیافتیم» منفی است (رد ۱).

«أَيُّ» در اول جمله به معنی «کدام» است. در وسط جمله‌های مثبت به معنی «هر» و در وسط جمله‌های منفی به معنی «هیچ» است.



بقچه دانش!

**مثال: ۱** أَيُّ مِفْتَاحٍ لَكَ: کدام کلید برای تو است؟

**۲** اسأل أَيُّ شَخْصٍ تَرِيدُ: از هر شخصی می‌خواهی بپرس!

**۳** لَا أَعْرِفُ أَيًّا مِنْ هَؤُلَاءِ الْأَشْخَاصِ: هیچ یک از این افراد را نمی‌شناسم.

**۸۴. گزینه «۲»** «يُرْسَلُ» فعل مضارع است و نه ماضی (رد ۳)، مرجع ضمیر «تثیر»، «الرِّيَّاحُ: بادهای» است نه «خداوند» (رد ۱ و ۳)، «سحاباً» مفرد است (رد ۳ و ۴)، «يَبْسُطُ: پراکنده می‌کند، می‌گستراند» مضارع متعدی معلوم است نه لازم (رد ۳ و ۴).

**۸۵. گزینه «۲»** «لا طعام ... إلَّا الكتاب: فقط ...» (رد سایر گزینه‌ها)، «يستطيع: می‌تواند» (رد سایر گزینه‌ها)، «أن يُغْنِي: بی‌نیاز گرداند، بی‌نیاز کند» (رد ۱ و ۴)، «في هذه الظروف القاسية: در این شرایط دشوار» (رد ۱).